



لیونل مسی اول

«مارادونای دوم»؛ برای سال‌ها و حتی دهه‌ها، این لقبی بود که برای ستاره‌های فوتبال آرژانتین در نظر می‌گرفتند. عطش کشف دیگویی ثانی، هرگز مردم این کشور را به حال خودش رها نمی‌کرد. از خاویر ساویولا تا پابلو آیمار، همه با مارادونا مقایسه می‌شدند اما هیچ بازیکنی نبود که در قواره‌های دیگویی افسانه‌ای باشد. این حسرت تا وقتی ادامه داشت که لئو مسی کشف شد. ستاره‌ای بزرگ که از همان قدم‌های اول، راه رفتنش با بقیه تفاوت داشت. وقتی او از مرکز زمین تا دروازه حریف همه بازیکن‌های ختافه را در ریل زد، نفس آرژانتینی‌ها بند آمده بود. وقتی او در بازی حساس و تعیین‌کننده با اسپانیول از دستش برای گلزنی کمک گرفت، آرژانتینی‌ها حتی خوشحال‌تر از بارسلونایی‌ها بودند، چرا که خیال می‌کردند چهره آشنایی را دوباره بعد از سال‌ها دیده‌اند. مسی دقیقاً همان چیزی بود که آنها می‌خواستند. با این تفاوت که بزرگ‌شده مدرسه فوتبال بود، از دل فقر بیرون نیامده بود و اساساً یک «پسر خوب» به شمار می‌رفت. بدون شرارتی که مردم آرژانتین در مارادونا سراغ داشتند.

دوران ملی مسی در آرژانتین، همیشه سخت به نظر می‌رسید. چرا که او ناچار بود با فشار بالای انتظارات کتار بیاید، چرا که او باید یک بار سنگین را روی شانه‌هایش حمل می‌کرد. همه می‌خواستند مسی همه چیز را ببرد. همه انتظار داشتند که او عصر تازه‌ای برای آرژانتین بسازد اما زمان زیادی طول کشید تا این اتفاق بیفتد. کلید اصلی این ماجرا صبر بود اما طرفداران خشمگینی که زمانی مجسمه مسی را در روساریو شکستند، معنی صبر را نمی‌فهمیدند. لئو به شدت نقد می‌شد. چرا که این باور عمومی وجود داشت که او در آرژانتین از سساق‌هایش مراقبت می‌کند تا در بارسا بدرخشد. در میزان تعهد و علاقه او به تیم ملی کشور زادگاهش، تردیدهایی شکل گرفته بود. ۱۱ سال قبل وقتی آرژانتین میزبان کوبا می‌شد، او را به دست آورد و قهرمان نشد، انتقادها از مسی از همیشه تندتر به نظر می‌رسید. با این حال لئو یک یادآوری مهم برای مردم کشورش داشت، اینکه زمانی با پیشنهاد حضور در تیم ملی اسپانیا روبرو شده اما علاقه وافرش به آرژانتین، حتی فرصت فکر کردن به این ایده را از او گرفته است.

روزهای سخت‌تر مسی هم از راه رسیدند. شکست‌های متوالی در کوبا، از دست رفتن پناالتی‌های سرنوشت‌ساز، حتی خداحافظی از تیم ملی، این تیم حتی در فینال جام جهانی هم شکست خورده بود. جامی که انگار تورنمنت لئو نبود. انگار بهترین نسخه لئو در این جام وجود نداشت. انگار سایه‌ای از آرژانتینی‌ها را به فینال جام جهانی رساند. برای مدت‌ها تصور می‌شد که داستان مسی و تیم ملی به یک بن بست طولانی پیوند خورده اما او بالاخره از این بن بست عبور کرد. تغییری که انگار از رفتار او به زمین مسابقه منتقل شده بود. مسی دیگر آن پسر بچه محبوب و خجالتی نبود. او با سخنرانی احساسی‌اش قبل از نبرد حساس با برزیل در فینال کوبا، آرژانتینی‌ها را به سمت پیروزی برد. خیلی از بازیکنان تیم ملی بعدها از این حقیقت یاد کردند که این سخنرانی نقش مهمی در موفقیت‌شان داشته است. مسی و تیمش یک طلسم قدیمی را شکستند و قهرمان کوبا شدند اما همه آن جشن‌های سریالی، پایانی برای رویاپردازی این تیم نبود. تیمی که حالا در قطر، رویای بزرگ‌تری نیز در سر دارد.

داستان آرژانتین در جام جهانی ۲۰۲۲ از خود مسی نوشته است. بازیکنی که در نخستین بازی‌اش در جام یک پناالتی برستان به عربستان زد، در بازی دوم دروازه مکزیکی را از پشت محوطه باز کرد تا آرژانتین را از کابوس حذف زود هنگام عبور بدهد و این تیم را به بازی برگرداند. او بعد از پناالتی خراب‌شده دیدار با لهستان و با وجود یک نمایش درخشان، جایزه بهترین بازیکن زمین را نپذیرفت و آن را به بازیکن دیگری داد. لئو در نبرد با استرالیا نخستین گلش در مراحل حذفی جام جهانی را زد، او روبروی هلند هم با یک گل و یک پاس گل، مهم‌ترین نقش را در صعود تیمش داشت و در نهایت در جدال با کرواسی نیز روی گل ۳ گل تأثیر مستقیم داشت. در حقیقت در این جام حتی یک بازی هم نبوده که لئو روی گل‌های آرژانتین اثر نگذاشته باشد. کاری که انجام داده فراتر از حد تصور است و خوشبختی که این ستاره به فوتبالش اضافه کرده، آرژانتینی‌ها را بیشتر از همیشه نسبت به یک مقایسه قدیمی مطمئن تر کرده است. روح دیگو بالاخره در سساق‌های مسی نمایان شده است. حالا او هم یک افسانه برای فوتبال آرژانتین است، یک افسانه زنده. او مارادونای دوم نیست. او مسی اول است!



خورشید آرژانتین

مسی قرار بود مارادونای دوم باشد، اما حالا در یک قدمی سبقت از اوست
قهرمانی در جام جهانی، جایگاه لئو را دست نیافتنی می‌کند